

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۲۳

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال دوازدهم، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۷

آخرازمان و مدلولات سیاسی - اجتماعی آن در ادیان ابراهیمی با رهیافتی اشتراکی

حسن عبدی پور فرد^۱

محمد حسین محمدی^۲

چکیده

آخرازمان مقوله‌ای حائز اهمیت در مباحث کلامی و الهیاتی و نیز فلسفی می‌باشد. علاوه بر این، مبانی آخرازمانی ادیان مختلف در موضع‌گیری‌های سیاسی و نیز امور فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف دارای تاثیر فراوان می‌باشد. با توجه به این امر، مقاله حاضر به کاوش مفهوم و علائم آخرازمان در ادیان ابراهیمی می‌پردازد و اشتراکات این ادیان در بررسی نشانه‌های آخرازمان، مرور وقایع و حوادث اقلیمی و کیهانی که این ادیان وعده رخ دادن آن را به پیروان خود داده‌اند، بررسی وقایع سیاسی و اجتماعی مربوط به این دوره زمانی، قسمت‌های مختلف این مقاله را تشکیل می‌دهند. در بخش آخر نیز ابعاد مذکور میان ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت مورد مقایسه قرار گرفته و اشتراکات و افتراقات ادیان در این زمینه‌ها بیان می‌گردد. این مقاله در چارچوب تئوری گفتگوی ادیان تدوین گردیده است.

واژگان کلیدی:

آخرازمان، جنبش سیاسی - اجتماعی، اسلام، مسیحیت، یهودیت.

۱. دکترای تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) (habdipoor@gmail.com).

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم.

دنیای معاصر ما شاهد انواع گوناگون چالش‌های طبیعی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی در مقیاس‌های وسیع و بین‌المللی می‌باشد. انواع بلایای طبیعی و اقلیمی، فجایع زیست‌محیطی متعدد، تحولات سیاسی بین‌المللی دارای نتایج اسف‌بار برای ملل جهان سوم، رکود اقتصادی جهانی و مشکلات اقتصادی در سطوح ملی، و جنگ‌های فاجعه‌آمیز و خانمان‌سوز در اقصی نقاط جهان، همگی آرامش و سکون جهان معاصر را به شدت برهم زده است. بسیاری از مردم دنیا در اثر این همه نابسامانی و آشفتگی دچار احساس یاس و درماندگی شده‌اند. آنان چنین احساس می‌کنند که برای بهره‌مند بودن از یک زندگی آرام و خالی از دغدغه، نمی‌توان به سیستم‌های سیاسی و اقتصادی جهانی و قدرت‌هایی که بیشترین تاثیر را بر اوضاع بین‌المللی دارند، امید داشت. این ناامیدی از سیستم‌های ملی و بین‌المللی، مردم بسیاری از کشورهای جهان را به جست‌وجوی ملجأ و پناهگاه دیگری واداشته است. این آلترناتیو برای بسیاری رجوع به دین می‌باشد. این افراد و گروه‌ها که از فراوانی بسیار زیادی برخوردارند، برای ایجاد سعادت، از نظام‌های دنیوی روی‌گردان شده‌اند. به اعتقاد آنان رفاه، آرامش و سعادت را تنها باید در نیرویی مافوق طبیعی و غیردنیوی جستجو کرد. آنان این ایده ادیان ابراهیمی را پذیرفته‌اند که سعادت دنیا و اهل آن در دستان منجی الهی قرار دارد. نکته قابل توجه آن است که این تغییر رویکرد جهانی مورد تایید تحقیقات دانشمندان علوم اجتماعی نیز قرار گرفته است. طبق نتایج تحقیقات مؤسسه پژوهشی پیو، که مؤسسه‌ای شناخته شده و معتبر در امر نظرسنجی می‌باشد، روند دینداری در دنیا روندی رو به افزایش است. طبق تحقیقات این مرکز، تا سال ۲۰۵۰ میلادی از ۳.۹ میلیارد جمعیت جهان، ۸ میلیارد نفر پیرو ادیان مختلف خواهند بود.^۱ این مسئله در واقع یک پیروزی بزرگ برای دین‌داران محسوب شده و واقعیتی است که در راستای وعده قرآن مبنی بر تسلط صالحان بر دنیا در آخرالزمان قرار دارد.

روند افزایش دین‌داران در دنیا دارای تبعات فراوانی است. یکی از این تبعات، افزایش تعداد منجی‌گرایان در جهان است. براساس نظر سنجی سال ۲۰۱۰ مؤسسه پیو، ۴۱ درصد از کل مردم آمریکا و ۵۸ درصد از مسیحیان انجیلی معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام تا سال ۲۰۵۰ رجعت خواهد کرد. میزان کسانی که به اصل ایده منجی‌گرایی معتقدند بسیار بیشتر از این مقدار است.

1. Pew – Templeton, 2010, Religion, online, available at: <http://www.globalreligiousfutures.org>

در جهان اسلام نیز بسیاری از مسلمانان معتقدند که آخرالزمان در آینده‌ای نزدیک بوقوع خواهد پیوست. نظر سنجی دیگری که در سال ۲۰۱۲ انجام شد نشان داده است که ۸۳٪ از مسلمانان افغانستان، ۷۲٪ از مسلمانان عراق و ۶۸٪ از مسلمانان ترکیه انتظار بازگشت سریع مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام در آخرالزمانی که چندان دور نیست را می‌کشند. در روند این انتظار، بعضی از جنبش‌های افراطی به طور بسیار چشم‌گیر فعال هستند که از آن میان به عنوان مثال می‌توان به گروه «داعش» در میان مسلمانان و فرقه «اوم شینریکیو» در ژاپن و فرقه «هویت مسیحی» در آمریکا اشاره کرد.^۱

بررسی حوادث سیاسی و اجتماعی گوناگون ظرف چند دهه اخیر در دنیا ثابت کرده است که نظام الهیات آخرالزمانی ادیان گوناگون، به طور گسترده‌ای مسائل سیاست داخلی، سیاست‌های فرهنگی و امور اجتماعی جوامع را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. به عبارت دیگر هم به دلیل اعتقاد تعداد بی‌شماری از مردم دنیا به آخرالزمان و هم به دلیل رشد تصاعدی معتقدان به این اندیشه دینی که به طور طبیعی تأثیرگذاری بسیار زیاد و عمیقی در آینده سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دنیای پیش رو داشته و هم به دلیل این که این اعتقاد در بسیاری از درگیری‌ها و تضادهای منطقه‌ای و بین‌المللی موجود و محتمل در آینده نقش بازی خواهد کرد؛ شناخت هرچه بیشتر بنیاد این مفهوم و بررسی تحولات مرتبط با آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مسئله‌ای که در این مقاله تمرکز بر آن قرار گرفته است رهیافت اشتراکی ادیان سه گانه اسلام، مسیحیت و یهودیت در مورد مدلولات سیاسی - اجتماعی و طبیعی آخرالزمان است. به عبارت دیگر این مقاله به دنبال بیان اشتراکات این ادیان در مورد آخرالزمان است.

همان‌طور که در ادامه مقاله به تفصیل به این مسئله پرداخته خواهد شد، معتقدان به آخرالزمان در هر سه دین ابراهیمی آخرالزمان را امری خارق‌العاده و غیرطبیعی می‌دانند و برای آن نشانه‌هایی بر می‌شمارند. این نشانه‌ها بر دو نوع است: اول نشانه‌های طبیعی و دوم نشانه‌های سیاسی و اجتماعی. به عبارت دیگر اتفاقات خارق‌العاده آخرالزمانی هم در عرصه طبیعت رخ می‌دهد و هم در امور سیاسی و اجتماعی عالم. بنابراین دیدگاه، گروه‌هایی در میان این ادیان در لزوم آماده‌سازی زمینه برای فرارسیدن سریع آخرالزمان، با یکدیگر اتفاق نظر دارند و معتقدند گرچه نمی‌توان در فرا رسیدن علائم طبیعی و کیهانی ظهور آخرالزمان تسریع کرد اما

1. Pew – Templeton, 2010, Religion, online, available at: <http://www.globalreligiousfutures.org>

می‌توان در علل و عوامل سیاسی آن دخالت کرد و موجب تسریع این فرایند شد. در ادامه به ذکر علائم طبیعی آخرالزمان از دید این ادیان پرداخته و سپس به این مسئله خواهیم پرداخت که علائم سیاسی آخرالزمان چیست و این آموزه تا چه حد توانسته است برای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی معاصر پشتوانه فکری و ایدئولوژیک تهیه نماید. در این جا لازم است به این نکته اشاره شود که این مقاله در چارچوب تئوری گفتگوی ادیان تدوین شده است. این تئوری تأکید دارد که برای نزدیکی بین پیروان ادیان گوناگون، لازم است بر اشتراکات آنان تأکید شود. و نیز این مقاله اشتراکات ادیان ابراهیمی در باب آخرالزمان را ترسیم می‌کند.

مفهوم آخرالزمان

پاسخ به این سوال که آخرالزمان دقیقاً چیست و چه ویژگی‌هایی دارد آسان نیست (Borg, ۱۹۹۴; Rowland, ۲۰۰۸). به لحاظ لغوی آخرالزمان به کسر خاء به معنای انتهای زمان یا مکان بوده و در این جا به زمان اضافه شده است و به معنای پایان زمان یا دوره می‌باشد. "ال" در "الزمان" یا برای جنس است یعنی جنس زمان به پایان می‌رسد و نه زمان جزئی، و یا برای بیان عهد ذهنی است که معنای خاصی از آن اراده شده، یعنی زمانی که حیات موجودات بر چیده می‌شود و قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۷؛ عمید، ۱۳۷۹: ۱۸). به لحاظ اصطلاحی آخرالزمان معادل Eschatology از ریشه یونانی Eschatos به معنای آخرین «آخرین امور» گرفته شده است. اسکاتولوژی آن‌گونه که پیترسن (Petersen, ۱۹۹۲) می‌گوید اشاره دارد به زمانی در آینده که در آن زمان، تاریخ تا بحدی دستخوش تغییر می‌شود که می‌توان از ایجاد واقعیتی بکلی جدید سخن گفت. نیکلسبورگ (Nickelsburg, ۱۹۹۲) نیز آن را به عنوان پایان سرنوشت ساز نظم موجود و شروع نظمی کاملاً نوین معرفی می‌کند.

آخرالزمان شناسی یکی از زیر مجموعه‌های علم کلام محسوب می‌شود زیرا «آخرین امور» بیانگر نهایی‌ترین تصمیمات خدا برای تاریخ بشریت است (Gillman, ۲۰۰۷). دلیل اهمیت آخرالزمان شناسی در تفکر الهیاتی آن است که می‌تواند به سوالات ما در مورد معنا داری نظام خلقت پاسخ دهد (Polkinghorne, ۲۰۰۲). علاوه بر این مداخله مستقیم، روشن و قدرتمندانه خدا در تاریخ نه تنها نشانگر قدرت خدا است بلکه اثبات‌کننده آن نیز هست که خالق هستی خداست (Baker, ۲۰۱۴). سخن از آخرالزمان برای فلاسفه سکولار نیز از اهمیت برخوردار است زیرا با دو مفهوم مهم مرگ و قضاوت اخلاقی روح در ارتباط است (Ward, ۲۰۰۲؛

Campos, ۲۰۰۵).

بُعد طبیعی آخرالزمان در ادیان ابراهیمی

منظور از بُعد طبیعی، وقایع و حوادث آسمانی و اتفاقات غیر منتظره در عالم طبیعت است که به عنوان مقدمه‌ای برای جهان آخرت رخ می‌دهند. نه تنها بررسی متون مقدس ادیان گوناگون بلکه بررسی دیدگاه دین داران این نکته را روشن می‌سازد که فرا رسیدن آخرالزمان با تغییرات شگرف و غیر معمول در هستی همراه است. دین باوران معتقدند که در آخرالزمان نظام هستی از طریق وقوع رخداد‌های مهیب و ما فوق عادت، متحول خواهد گردید. در ادامه بشارات ادیان ابراهیمی در مورد علائم آخرالزمان و پدیده‌های طبیعی و کیهانی این زمان مورد اشاره قرار می‌گیرد.

بُعد طبیعی آخرالزمان در دین یهود

متون مقدس یهودیت موارد زیر را از جمله نشانه‌های طبیعی و کیهانی آخرالزمان بر شمرده‌اند:

۱. جهان با نور خداوند روشن می‌شود (عهد عتیق، اشعیا، ۶۰: ۱۹). مقصود از روشنایی در این جا می‌تواند معنای ظاهر آن و یا غلبه نور خدا بر جهان و ظهور تجلی معنویت و استقرار اراده الهی باشد.
۲. آب در آخرالزمان از اورشلیم جاری می‌شود و به گونه‌ای است که شخص بیمار با نوشیدن آن شفا پیدا می‌کند و گیاهان و درختان میوه پر ثمر خواهند شد به طوری که همیشه میوه دارند و برگ آنها هم برای شفای بیماری‌ها استفاده می‌شود چون درختان با آب مقدس آبیاری می‌شوند (عهد عتیق، حزقیال، ۴۷: ۹)، (همو: ۴۷: ۱۲).
۳. جهان آباد شده و سامان پیدا می‌کند و حتی شهرهایی هم که قبلاً ویران شده بودند بازسازی می‌شوند (همو: ۱۶: ۵۵).
۴. در آخرالزمان مرگ وجود نخواهد داشت (اشعیا، ۲۵: ۸) که احتمال دارد منظور عدم مرگ طبیعی یا وجود عمر طولانی (همو: ۶۵: ۲۱-۲۳) و یا از بین رفتن مرگ معنوی در اثر گناه باشد.
۵. نعمت فراوان می‌شود و قحطی بروز نمی‌کند (عهد عتیق، حزقیال، باب ۳۶: ۲۹-۳۰).

بُعد طبیعی آخرالزمان در مسیحیت

در مسیحیت در رابطه با آخرالزمان به اتفاقات کیهانی و طبیعی زیر اشاره شده است:

۱. در آخرالزمان آسمان و زمین جدیدی پدید می‌آید (عهد جدید، مکاشفه یوحنا، ۱:۲۱).
 ۲. مرگ از بین خواهد رفت و انسان‌ها دارای حیات ابدی می‌شوند (همو: ۴:۲۱).
 ۳. زمین به ویژه شهر اورشلیم آباد خواهد شد، بعد از آن که محاصره و تخریب شده بود (عهد جدید، ۲ و ۱۰) که این خود به اعتقاد بسیاری از محققین یهودی و مسیحی، یک عذاب آسمانی و نشانه اجرای عدالت الهی بوده است (Gleason، ۲۰۰۲).
 ۴. شب و تاریکی از بین می‌رود و زمین همیشه روشن است و دیگر احتیاجی به چراغ نیست (عهد جدید، مکاشفه یوحنا، ۲۳-۲۵).
 ۵. در آخرالزمان نعمت فراوان می‌شود و آب جاری می‌شود و درختان ثمر فراوان می‌دهند و از برگ درختان جهت درمان استفاده خواهد شد (همو: ۲۲:۲-۳).
 ۶. بیماری‌ها از بین رفته و مریضان شفا می‌یابند و حتی مردگان زنده می‌شوند (انجیل متی، ۵:۱۱).
- لازم است به این نکته اشاره شود که در مسیحیت نشانه‌های هراس آمیزی نیز ذکر شده است که البته بعضی از محققان معتقدند این نشانه‌های هراسناک جنبه فرعی داشته و بیشتر برای اخواف و هشدار به غیر معتقدانی است که در میان جماعت مسیحی وجود دارند (Peterso, 1993).

بُعد طبیعی آخرالزمان در اسلام

۱. طبق آن چه از روایات در این باب فهمیده می‌شود، در آخر زمان نعمت در جامعه زیاد می‌شود، زمین از رشد گیاهان خودداری نمی‌کند و باران‌های فراوان می‌بارد. زمین آن چه که استعداد دارد می‌رویاند، و بیماری‌های مهلك نیز از بین می‌روند. (حائری یزدی، ۱۴۲۲: ۱۶۳؛ متقی هندی، ۲۰۰۳: ب اول؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ج ۱۰ و ج ۵۲، ۳۲۷).
۲. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است که فرموده خداوند در هر زمان و دوره‌ای، از زمان آدم علیه السلام تا قیامت، به سبب وجود حجت خود بر روی زمین بلا را از اهل زمین دور می‌کند، به برکت او باران می‌بارد و نیز به واسطه اوست که زمین برکات و میوه‌های خود را آشکار می‌سازد و یکی از آن حجت‌ها، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الکریم است، که در زمان او به جهت وجودش چنین آثاری مترتب می‌شود (صدوق، ۱۴۱۶: ج ۲، ۳۸۴).
۳. در آخرالزمان معادن زمین استخراج و قابل دسترسی است و همه از این نعمت به طور مساوی برخوردار می‌شوند، بر این اساس فقر و تنگدستی از جامعه دور می‌شود. در حدیثی دیگر

پیامبر ﷺ می فرماید:

... در زمان مصلح، اهل زمین و آسمان، پرندگان، حیوانات درنده، ماهیان دریا، از فراوانی نعمت بهره‌مند می‌شوند. آب نهرها فراوان، میوه‌های درختان چند برابر و معادن استخراج می‌شود... (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲: ج ۳، ۱۳۳-۱۴۶).

نگاهی تطبیقی به علائم طبیعی آخرالزمان از دید ادیان ابراهیمی

همان‌طور که به تفصیل بیان شد، هر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام معتقدند که اولین نشانه فرارسیدن آخرالزمان، علائم طبیعی و کیهانی خاص است. در این مورد اشتراکات و افتراقاتی وجود دارد که می‌توان آنها را به شرح زیر برشمرد:

اولین نکته مشترک میان ادیان ابراهیمی در این زمینه، بشارت تمام این ادیان به آینده‌ای پر از برکت و شادی و سعادت است. در این دوران فراوانی، پرآبی، شفا و سلامت، صلح و آرامش و سعادت و نیک‌بختی به انسان روی خواهد آورد.

هر سه دین مورد نظر، این سعادت و برکت و شادی آخذالزمان را خاص و منحصر به مؤمنان و معتقدان و دین‌باوران می‌دانند.

سومین نکته مشترک آن است که در هر سه دین از علائم مهیب و ناخوشایند و هراسناک نیز برای آخرالزمان یاد شده است که البته شامل حال مؤمنان نخواهد گردید. در یهودیت، مسیحیت و اسلام اهل فسق و فجور و گناه‌کارانی که بخشیده نشده‌اند، مستحق عذاب الیم هستند که علائم این عذاب برای آنان همانا علائم ناخوشایند و مهیب در آخرالزمان است.

در این میان لازم است به این افتراق میان ادیان ابراهیمی هم اشاره کنیم که در منابع مقدس هر سه دین ابراهیمی بر این نکته تأکید شده است که انسان روزی به جزای اعمال خوب و بد خود خواهد رسید. اما تفاوت در این جاست که دین یهودیت معتقد است که بدکاران در آخرالزمان و در همین دنیا به جزای اعمال خود خواهند رسید. این در حالی است که دو دین اسلام و مسیحیت معتقدند انسان پس از مرگ، در دنیای دیگر رستاخیز خواهد داشت و در آنجا به سزای اعمال خود خواهد رسید. بعضی معتقدند اعتقاد یهودیت به رستاخیز و حساب و کتاب کتاب دنیوی، با مسائل تاریخی این قوم مرتبط است. از آن جا که قوم یهود در طول تاریخ متحمل رنج‌های فراوانی شده است، بزرگان این دین برای تسلی دادن و افزایش صبر و تحمل یهودیان، بر این نکته تأکید کرده‌اند که رستاخیز دنیوی است و بدکاران در همین دنیا عقاب خواهند شد و قوم یهود شاهد این عذاب خواهد بود تا تسلی خاطر و تشقی قلب پیدا نماید.

بُعد سیاسی - اجتماعی آخرالزمان در ادیان ابراهیمی

در ابتدای مقاله به این نکته اشاره شد که ادیان ابراهیمی دو دسته علائم برای آخرالزمان ذکر کرده‌اند که یکی از آن دو علامت، به اتفاقات سیاسی و اجتماعی در آخرالزمان اشاره دارد. گروهایی از معتقدان در هر سه دین بیهودیت، مسیحیت و اسلام با توجه به این علائم و نشانه‌ها عزم خود را جزم نموده‌اند که به تحقق خواست الهی کمک نمایند. برای این گروه‌ها، عمل و کنش سیاسی و اجتماعی تنها وسیله‌ای است که می‌تواند تحقق اراده الهی را تسریع بخشد. آنها معتقدند با راه اندازی جنبش و حتی انقلاب می‌توانند برنامه‌های خداوند برای انسان را متجلی نمایند (Cook، 2005). مطالعات دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان نشان می‌دهد که گروه‌هایی با این نوع طرز فکر و ایدئولوژی را در میان هر سه دین بیهویت، مسیحیت و اسلام می‌توان یافت. این گروه‌ها که با نام کلی «آخرالزمان‌گرا»، «بنیادگرا» یا «هزاره‌گرا» معروف و شناخته شده هستند، دارای تشکیلات و سازماندهی خاص خود بوده، اهداف و برنامه‌های ویژه‌ای را دنبال کرده، و در برهه‌هایی از زمان، با اقداماتی که انجام داده‌اند توانسته‌اند توجه همه جهانیان را به خود جلب نمایند.

در ادامه ابتدا به بررسی علائم سیاسی و اجتماعی آخرالزمان در هر یک از ادیان مذکور پرداخته و در ضمن به مصادیقی از این گروه‌ها در جوامع یهودی، مسیحی و مسلمان اشاره خواهیم کرد.

بُعد سیاسی - اجتماعی آخرالزمان در دین یهود

گرچه مفهوم آخرالزمان در درجه اول مفهومی دینی و الهیاتی است اما در بیهودیت به طور گسترده‌ای با مقوله‌ای سیاسی یعنی اعتراض پیوند خورده است؛ اعتراض یک اقلیت سرکوب شده (Aune، ۲۰۰۵). این مفهوم در دین یهود دارای سه بعد می‌باشد: بعد جهانی، بعد ملی و بعد فردی. سوال اصلی در این سه بعد به ترتیب این است: سرنوشت دنیا چه خواهد بود؟ سرنوشت قوم یهود به کجا ختم خواهد شد؟ و سرنوشت تک تک افراد بشر در آخرالزمان چه خواهد شد؟ پاسخی که دین بیهودیت به سوال اول می‌دهد این است: جهان با اجرای عدالت اجتماعی و برقراری دین واحد (بیهودیت) به صلح می‌رسد (Gillman، 2007).

در جست‌وجو برای یافتن پاسخ این سوال که سرنوشت قوم یهود در آخرالزمان به کجا ختم خواهد شد، متون مقدس بیهودیت دو جواب ارائه نموده‌اند: اول به کیفر رسیدن دشمنان قوم یهود و پیروزی بنی‌اسرائیل و تشکیل حکومت بر سرتاسر زمین که در همین دنیا تحقق می‌یابد.

این مفهوم در تورات، خطاب به کسانی که ایمان نیاورده و با شک و تردید از فرارسیدن آخرالزمان پرسش می‌کرده‌اند، این‌گونه بیان شده است:

وای بر شما که مشتاق روز خداوند هستید، روز خداوند برای شما چه خواهد بود؟ تاریکی، و نه روشنایی... . ظلمت غلیظی که در آن هیچ درخشندگی نباشد... (عهد عتیق، عاموس نبی، ۵: ۱۸-۲۰).

تاریکی و ظلمت برای منکران آخرالزمان به معنای روشنایی و نور و سعادت برای باورمندان به آن است. پاسخ دوم این سخن را تایید کرده و بیان گر آغاز دوره‌ای جدید از زندگی است که مخصوص قوم یهود است و آنها در این زندگی به سعادت ابدی نایل می‌شوند. همچنان که دشمنان یهود دچار عذاب الهی و ابدی می‌گردند. از بعضی عبارات *عهد عتیق* چنین برداشت می‌شود که دوره کامروایی قوم یهود در همین دنیا است اما از عبارات دیگر چنین استنباط می‌شود که آخرالزمان که به «روز یهوه» تعبیر شده، عبارت از عالمی جدید با زندگی نو خواهد بود که با داوری یهوه و سپس به پاداش و کیفر رسیدن افراد همراه است. اما در بعد فردی و پرسش از این که سرنوشت تک تک افراد بشر در آخرالزمان چه خواهد شد، یهودیت سرنوشت همگان را مرگ و پس از آن سر برآوردن بدن‌ها از خاک می‌داند. البته رستاخیز ارواح نکته‌ای است که در منابع اولیه یهودیت مطلبی در مورد آن یافت نمی‌شود (Gillman, ۲۰۰۷). به این ترتیب از دید دین یهودیت، آخرالزمان هنگامه‌ای است که در آن بی‌ایمانان در ظلمت و تیرگی به سر می‌برند، مومنان در آسایش و سعادتند، دنیا به صلح و آرامش می‌رسد و در نهایت تمام انسان‌ها با مرگ از دنیا خواهند رفت.

از نظر الهیات یهودی، آخرالزمان هنگام حکومت مصلح موعود است. به لحاظ تاریخی بسیاری از یهودیان، منتظر و مشتاق ظهور رهبرانی بوده‌اند که دین آنان را از فساد کشیشان مبرا نماید (Gleason, ۲۰۰۳). این اشتیاق به تنهایی برای ایجاد تغییر کافی نبوده است و بنابر این تعدادی از پژوهشگران، با تفسیری هرمنوتیک از وعده‌ها و مواعید آخرالزمانی، معتقدند که این سخنان در دین یهود کارکردی عملگرایانه در راستای ایجاد یک جنبش سیاسی موعودگرایانه و مبتنی بر حمایت از قوم بنی‌اسرائیل دارد (Harvey, n.d). در این رابطه *مزامیر سلیمان* از این دوران به عنوان عصرهایی از فساد و گناه و رسیدن به نور تعبیر می‌کند (عهد عتیق، مزامیر) از عبارات *مزامیر سلیمان* چنین برداشت می‌شود که قوم یهود در نهایت در اورشلیم حاکم می‌شوند. اما بر خلاف کتب دیگر یهود، قوم بنی‌اسرائیل تنها در آن محدوده حکومت می‌کنند و نه در تمام زمین.

اعتقاد یهودیان بر این است که ظهور «ماشیح» در جهت تأمین سعادت بشر، قسمتی از نقشه خداوند در آغاز آفرینش جهان بوده است. تمام بزرگان یهودیت بر این مطلب اتفاق نظر دارند که ماشیح انسانی است که از طرف خداوند برای انجام برنامه‌ای خطیر و خاص مأموریت خواهد یافت. آنان اعتقاد ندارند که ماشیح یک موجود فوق انسان باشد.

در بین یهودیان متقدم، چه آن‌هایی که در فلسطین خود را در بند می‌دانستند و چه آن‌هایی که در دیاسپورا، بی‌وطن می‌زیستند و یا سرگردان بودند، بزرگترین امید و آرزوی‌شان همین تحول جهان و ظهور حکومت خدا بود تا در صهیون تخت خود را برقرار سازد و قوم برگزیده خویش را در اسرائیل به دور خود جمع کند. در کتاب مقدس بارها به سلطنت یهوه اشاره شده است. یهوه تنها سلطان ملت اسرائیل است و اطاعت از خدای دیگر و یا قبول سلطانی جز یهوه خلاف این میثاق و مستحق کیفر شدید است.

یهودیت به لوازم دست‌یابی به حکومت آخرالزمانی نیز توجه دارد و اتحاد عمومی را عامل مهم این مسئله می‌داند:

زیرا که در آن زمان، به ملت‌ها زبان پاك خواهم داد، تا جمیع ایشان اسم (یهوه) را بخوانند، و همه يك دل او را عبادت نمایند (عهد عتیق، صفتیا، ۳: ۹، تنحومانوح: ۱۹).

این روز «یوم الرب» نام دارد که هم روز غضب بر گناهکاران و هم بشارت و پیروزی برای کسانی است که تنها یهوه را می‌پرستند.

نکته بسیار مهمی که مفهوم آخرالزمان در یهودیت را با کنش‌های سیاسی - اجتماعی پیوند می‌دهد، اعتقاد به این نکته است که رستاخیز مردگان و پاداش و کیفر آنان در این دنیا صورت می‌پذیرد. دلیل مطرح شدن این عقیده، شاید برای تسکین رنج‌ها و آلامی بود که قوم یهود در طول تاریخ متحمل شده است و کیفر دیدن دشمنان و مخالفان را در این دنیا راهی برای ایجاد انگیزه کنش سیاسی - اجتماعی می‌دیده‌اند. اثر دیگر این اندیشه، استقامت قوم بنی‌اسرائیل در مقابل دشمنان و مشکلات است. زیرا همه آنها به چنین روزی امید داشته و دارند که در نهایت قوم بنی‌اسرائیل به پاداش، و دشمنان به کیفر عمل خود خواهند رسید. بنابراین هر شخصی دوبار در دادگاه محاکمه می‌شود. در يك دادگاه ملت‌ها و داوری به صورت گروهی صورت می‌گیرد و در دادگاه دیگر، هر فردی بر اساس اعمال خود احضار و محاکمه می‌شود:

و مردم خم خواهند شد و مردان ذلیل خواهند گردید و چشمان متکبران پست خواهد

شد (عهد عتیق، اشعیا، ۵: ۱۵).

با تتبع در عهد قدیم می‌توان ویژگی‌هایی را برای حکومت موعود یهودی ذکر نمود: ۱. توحید و خدا پرستی (عهد قدیم، ارمیا، ۳۱: ۱-۲)؛ (همو: ۱۵-۱۹)؛ ۲. برقراری عدالت (عهد قدیم، اشعیا، ۷: ۹)، (همو: ۱۱: ۴-۵ و ۳۲: ۱۵)؛ ۳. نابودی قدرت‌ها و تسلط موعود بر جهان (همو: ۹-۶)؛ (همو: ۶۵: ۲۵)؛ ۴. ایجاد آرامش و امنیت (همو: ۳۲: ۱۶-۱۸)، (عهد قدیم، هوشع، ۲: ۱۸)؛ ۵. بهبود وضع اقتصادی (همو: اشعیا، ۳۲: ۱۵-۲۰)، (همو: ۲: ۴).
وجود آموزه‌های آخرالزمانی مذکور در دین یهودیت سبب پیدایش گروه‌های متعددی شده است که در پی تحقق بخشیدن به ایده «زمانی متفاوت از اکنون» هستند.

آلموند (2003, Almond) در تحقیقاتی که در مورد بنیادگرایی دینی در میان یهودیان انجام داده است، به این نکته اشاره می‌کند که اعتقاد به عمل‌گرایی برای تسریع در فرارسیدن آخرالزمان در میان یهودیان به اندازه‌ای زیاد است که گروه‌هایی از آنان حتی مسئله رفتن به سربازی که امری دنیوی و قانونی است و به دست حکومت می‌باشد را در راستای ایده آخرالزمانی تفسیر کرده و خود نیز با نیت آمادگی برای آخرالزمان و حوادث آن به خدمت سربازی می‌روند.

ارتدوکس‌های یهودی یکی از گروه‌های بنیادگرای یهودی هستند که در پی تحقق ایده آخرالزمانی خود به جنبش‌های سیاسی و اجتماعی روی آورده‌اند. شاخه هاردیم ارتدوکس‌ها، بر خلاف ارتدوکس‌های مدرن، از رژیم صهیونیستی اسرائیل حمایت نمی‌کنند. دلیل این امر آن است که معتقدند رژیم صهیونیستی با تصمیمات و اعمال خود، در روند ظهور مسیح خلل وارد می‌کند (Liebman, 1993).

از سوی دیگر جنبشی مانند جنبش گوش آمونیم در ارتدوکس‌های یهودی وجود دارد که از جمله برنامه‌های اصلی آن حمایت از رژیم صهیونیستی اسرائیل غاصب است. این گروه هر عمل سکولاری را نیز در راستای فرارسیدن آخرالزمان تفسیر می‌کنند و به عنوان مثال معتقدند فراگیری علم و دانش مدرن نیز می‌تواند به ظهور منجی کمک کند و بنابراین باید به فراگیری آن همت گماشت (Cromer, 1986).

بُعد سیاسی - اجتماعی آخرالزمان در دین مسیحیت

مسیحیت دینی است که اصولاً ایمان خود و نیز دکترین سعادت و رستگاری را تا حد زیادی بر آموزه‌های آخرالزمانی بنا کرده است. به عبارت دیگر مسیحیت، تجربه اکنون و حال را در

پرتو آینده تفسیر می‌کند. این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که به مفهوم امید و امید دادن به بازگشت عیسی علیه السلام در آینده نزدیک توجه کنیم (The International Standard Bible Encyclopedia, 1915). آخرالزمان در مسیحیت، آن‌گونه که بارث (Barth, ۱۹۳۳) می‌گوید تنها به معنای انتهای امور نیست بلکه انتهایی است که خود، سرآغازی نوین است و آن انتها بدون در نظر گرفتن این سرآغاز کامل نیست. انتها خود آغاز است و با مفهوم امید در این دین پیوند دارد. به عبارت دیگر شروع صحیح امور با امید به نهایی روشن و سعادت‌بار در کارها پیوند خورده است. فرقه‌هایی از مسیحیان مانند پیوریتن‌ها، پیتیست‌های آلمانی و مسیحیان محافظه‌کار امریکایی حتی از پیوند امید و آغاز آخرالزمانی برای ایجاد جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در تاریخ معاصر استفاده کرده‌اند (Clouse, ۲۰۰۸؛ Sauter, ۲۰۰۸). آنان با استفاده از این آموزه آخرالزمانی به پیروان خود انگیزه بخشیده‌اند که بر علیه پدیده‌های خاص سیاسی و اجتماعی مدنظر خود قیام کرده، و امیدوار و دلگرم باشند به پیروزی نهایی در آخرالزمان. نکته مهم در این جا این است که در مسیحیت نیز، مانند یهودیت، مفهوم آخرالزمان با مفاهیم سیاسی گره خورده و دارای کارکردهای سیاسی - اجتماعی شده است.

آموزه آخرالزمان در بخش‌های مختلف کتاب *عهد جدید* آمده است، اما این مطالب به طور یکدست و همساز بیان نشده و به سختی می‌توان تفسیری بدون تناقض از آنها به دست آورد. از برخی سخنان عیسی علیه السلام نیز که در انجیل‌ها نقل شده، استفاده می‌شود که وی خود را آغازگر تحولی بزرگ و منجی آخرالزمان می‌شناخته و این که عیسی، یحیی معمدان را همان الیاس پیامبر می‌داند (عهد جدید، انجیل متی، ۱۷: ۱۱-۱۳؛ مرقس، ۹: ۱۱-۱۳) که ظهورش مقدمه ظهور مسیحا است:

او در جواب گفت: البته الیاس می‌آید و تمام چیزها را اصلاح خواهد نمود. لیکن به شما می‌گویم که الحال الیاس آمده است و او را نشناختند... آن گاه شاگردان دریافتند که او در باره یحیی تعمید دهنده با ایشان سخن می‌گفته است (عهد جدید، لوقا، ۳: ۴).

بنابراین در مسیحیت نیز همانند منابع یهود، از آخرالزمان تعبیر به روز خدا یا آمدن خداوند شده است که روزی بزرگ و تعیین‌کننده سرنوشت افراد و دنیا است.

اگر بخواهیم مراحل اساسی حیات دینی از ابتدای خلقت را از دیدگاه دین مسیحیت برشماریم، می‌توانیم به این شاخص‌ها اشاره نماییم: آدم علیه السلام (عصر خلقت)، ابراهیم علیه السلام (عصر اسرائیلیان)، عیسی علیه السلام (عصر کلیسا)، آشوب آخرالزمان، بازگشت عیسی علیه السلام و داوری نهایی (عصر عیسی / هزاره) (Leonhard, ۲۰۱۰).

مهم‌ترین مرحله در تعلیمات عیسی علیه السلام، که مرکز رسالت او قرار گرفته است، بشارت ظهور قریب الوقوع دولت آسمانی و داوری نهایی است. در انجیل‌های همگون، حکومت خدا هسته تعلیمات عیسی علیه السلام است و رستگاری انسان فقط در این قلمرو تحقق می‌پذیرد. انجیل مرقس، قدیمی‌ترین انجیل کائن، که به برداشت اولیه مسیحیت نزدیک‌تر است، حکومت خدا را با ظهور پسر انسان معرفی می‌کند که لازم است متحمل رنج‌های فراوان شود و به وسیله رهبران، سران کاهنان و ملایان یهود طرد و کشته شود و پس از سه روز رستاخیز نماید (انجیل مرقس، ۸: ۳۱؛ ۹: ۳۱؛ ۱۰: ۳۳). البته باید توجه داشت این سلطنت و پادشاهی تنها در آینده تحقق نخواهد پذیرفت بلکه همیشه و در هر حال برای عیسی علیه السلام مقرر و متحقق است (Kümmel, 1957). مسیحیان معتقد بودند برای ظهور مسیح و آغاز حکومت خدا، باید ابتدا جنایات و زشتی‌ها در جهان به نهایت برسد و جنگ و مصیبت و فلاکت، عالم را فرا گیرد و مدتی ضد مسیح، شیطان یا دجال بر مردم مسلط شود. (عهد قدیم، دانیال، بند ۹، ۲۰-۲۷؛ عهد جدید، نامه اول یوحنا، ۲: ۱۸؛ مکاشفات یوحنا، بند ۲۰، آیات ۱-۱۰).

در مسیحیت پادشاهی خدا نیز با نگاهی عمل‌گرایانه قابل تفسیر است. به عبارت دیگر پیام عیسی علیه السلام را می‌توان به طور خلاصه به این صورت بیان کرد:
ساعت مقرر فرا رسیده است، پادشاهی خدا نزدیک است، توبه کنید و به این بشارت ایمان آورید (انجیل مرقس، ۱: ۵).

این پیام در چهارچوب پیام یحیی تعمید دهنده است که مردم را به توبه توصیه و بشارت پادشاهی خدا را داده است. مفهوم پیام این است که در نتیجه کنش اجتماعی مسیحیان و از بین رفتن نیروهای شیطانی، سلطنت الهی بر جهان به زودی تشکیل می‌گردد. آن روز، روز خداوند است.

در عهد جدید راجع به روز خداوند با تاکید گوشزد کرده و قطعیت آمدن آن روز را به پیروان خود اعلام نموده و از هر گونه تردید نسبت به تحقق آن نهی کرده گرچه ممکن است بعضی ناآگاهان وعده‌های مسیح را به تمسخر بگیرند و به آمدن چنین روزی ایمان نداشته باشند:
به هر حال بدانید که روز خداوند حتما خواهد آمد، آن هم مثل دزدی که همه را غافلگیر کند که در آن آسمان‌ها به صدای عظیم زائل خواهند شد (عهد جدید، نامه دوم پطرس، ۳: ۱۰).

اما روز خداوند چه روزی خواهد بود؟ روزی که عیسی علیه السلام باشکوه از آسمان پایین می‌آید و بر تخت داوری نشسته از جانب خداوند بین مردم داوری می‌کند:

اما چون پسر انسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید آن گاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست. و جمیع امتها در حضور او جمع می‌شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند (انجیل متی، باب ۲۵: ۳۱-۳۲).

در این روز است که عده‌ای نجات می‌یابند.

اندیشه‌های آخرالزمان گرای مسیحی توانسته است در طول تاریخ طولانی این دین، افراد و گروه‌های فراوانی را به خود جذب نماید. البته مطالعه تاریخ این جنبش‌ها در میان مسیحیان نشان می‌دهد جنبش‌های آخرالزمانی مسیحی ظرفیت بالایی برای ابراز خشونت دارند. هوربری (1998, Horbury) دلیل این مسئله را آن می‌داند که این گروه‌ها مدعی هستند که اخطارهای فراوان و شدیدی در مورد فرارسیدن قریب‌الوقوع آخرالزمان دریافت کرده‌اند و مسئول هستند تا به سرعت این اخطارها را به عموم مردم منتقل کرده و پروسه آماده‌سازی مردم برای آخرالزمان را آماده سازند و این مستلزم کار سریع و احتمالاً خشن، برای رفع موانع است. این گروه‌ها که عمدتاً به ایدئولوژی آخرالزمانی ما بعد هزاره‌ای تعلق دارند، معتقدند که انسان در مسیر آخرالزمان و اجرای اراده الهی، نقشی مثبت بر عهده دارد. همین تلقی از نقش مثبت انسان است که این گروه‌ها را وادار به عمل اجتماعی می‌نماید. این در حالی است که گروه‌های آخرالزمانی ماقبل هزاره‌ای بر این عقیده‌اند که انسان در فرایند تحقق خواست الهی نقشی ندارد و خدا خود هرچه را بخواهد، با توان بی‌بدیل خود، انجام می‌دهد و نیازی به انسان یا چیز دیگری ندارد. بنابراین ایده، راه انداختن جنبش سیاسی و اجتماعی نه تنها کمکی به تحقق آخرالزمان نمی‌کند که حتی ممکن است در این فرایند خلل هم وارد نماید. جری فالول یکی از گروه‌های آخرالزمان‌گرای ماقبل هزاره مسیحی است که بیشتر در امریکا به فعالیت مشغول است. پت رابرتسون یکی از متفکران آخرالزمان‌گرای پیرو جری فالول است و معتقد است که باید جهت براندازی سیستم سیاسی و اجتماعی موجود جهان بویژه امریکا اقدام و فعالیت نمود و تلاش کرد که آن را با نظامی الهی جایگزین کرد و در آن نظام احکام الهی را پیاده نمود (1991, Snowball). رابرتسون تحولات دنیا پس از فروپاشی شوروی سابق را نیز در راستای رسیدن به فرجام قطعی تاریخ می‌دید. او معتقد است باید به خدای یعقوب بازگشت (1991, Robertson).

گروه موسوم به «اکثریت اخلاقی» که متعلق به جناح مسیحیان راست‌گرای امریکا است نیز یکی از گروه‌های آخرالزمان‌گرای فعال مسیحی می‌باشد. اعضای این گروه در زمان جنگ سرد امریکا و شوروی سابق، درگیری هسته‌ای با شوروی سابق را در راستای ظهور مسیح تفسیر

می‌کردند (Haines, 1997).

گروه اکثریت اخلاقی، نگاه ضد سکولار به جهان دارد و برای غلبه فرهنگ غیرسکولار بر عرصه‌های سیاسی و اجتماعی امریکا تلاش می‌کند. از نظر آنها تمدن مسیحی تمدنی است که شایسته جایگزینی با تمدن فعلی امریکا را دارا می‌باشد (Snowball, 1991).

بُعد سیاسی - اجتماعی آخرالزمان در اسلام

مفهوم آخرالزمان نقش برجسته و قابل توجهی در نظام اندیشه اسلامی ایفا می‌کند (Chittick, ۱۹۸۷؛ Rippin, ۱۹۹۶) با این حال این اصطلاح به طور صریح و مشخص در قرآن بیان نشده است، اما با واژه‌هایی دیگر مانند پسینیان یا آخرین (واقع: ۱۴ و ۴۰) و یا آیاتی که مربوط به عاقبت زندگی بشر بر روی زمین است (قصص: ۵)، در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. اما در منابع روایی فریقین (صحیح بخاری، سنن ابو داوود، سنن ابن ماجه، بحارالانوار مجلسی) احادیثی از پیامبر ﷺ نقل شده که نزدیک شدن عالم به پایان عمر خود را بیان می‌کند مانند این حدیث شریف که می‌فرماید:

میان من و قیامت فاصله‌ای نیست، همان سان که میان انگشتان سبابه و وسطی فاصله‌ای نیست (صحیح مسلم، ج ۲، ۵۸۱؛ اشراف الساعه، ۸۱)

و یا:

آن چه از عمر دنیا باقی مانده است در مقایسه با گذشته آن به همان نسبت باقی مانده وقت امروز در مقایسه با گذشته آن است (مجلسی، ۱۴۱۲: ج ۵۲، ۱۸).

با تتبع بیشتر در منابع روایی روشن می‌گردد که اصطلاح آخرالزمان نزد مسلمانان، به ویژه شیعیان، حکایت از عصری می‌کند که منجی موعود در آن عصر ظهور می‌کند و تحولات ویژه‌ای در جهان رخ می‌دهد. در روایات اسلامی برای این عصر، مشخصات ویژه‌ای موسوم به «علائم آخرالزمان» نقل شده است. در نظر عده‌ای از مفسران متأخر علاوه بر روایات، در قرآن آیاتی وجود دارد که آینده جوامع انسانی را بیان می‌کند و راجع به حکومت توحید و عدل است. این عده از مفسران معتقدند که آیات مربوط به استخلاف انسان و وراثت صالحان آیاتی هستند که سرنوشت آینده بشریت را پیشگویی می‌کنند و مستقیماً به مسأله آخرالزمان مربوط هستند (رشید رضا، ۱۴۲۰: ج ۹، ۸۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۱: ج ۱۴، ۳۳۰؛ اعراف: ۱۲۸؛ انبیاء: ۱۰۵؛ صافات: ۱۷۱-۱۷۵). این گروه از مفسران آیات و روایات مربوط به تحولات آخرالزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ و آینده طبیعی جامعه انسانی می‌دانند. چنین نگاهی به آخرالزمان در دل خود

پرورش دهنده دیدگاهی سیاسی به آخرالزمان است؛ زیرا آینده جهان را آینده‌ای می‌داند که به تدریج و به طور طبیعی به سوی زمانی پیش می‌رود که در آن مؤمنان و مستضعفان حاکمان و فرمانروایان جهان خواهند بود.

آن‌گونه که در روایات آمده است در آخرالزمان و قبل از تحقق حکومت الهی و ظهور منجی، دین توحیدی اسلام دچار دستخوش و دگرگونی فراوان می‌شود. تحریف در تفسیر دین یا توسط افراد جاهل یا مغرض و یا حاکمان جور انجام می‌گیرد. با آمدن مصلح دین، تمام این پیرایه‌ها از اسلام زدوده می‌شود و دین را مطابق آنچه خدا و رسولش بیان کردند، پیاده می‌کند. این دگرگونی و تحول به گونه‌ای است که طبق روایت وارد شده، همه چنین تصور می‌کنند که دین و آیین جدیدی آورده است:

إذا خرج القائم یقوم بأمر جدید، و کتاب جدید، و سنة جدیده و قضاء جدید (الحر العاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۷، ۸۳؛ مجلسی، ۱۴۱۲: ج ۵۲، ۳۵۲).

محورهای اساسی احیای اسلام حقیقی از این قرار است: تبیین و بسط معارف دینی، بدعت‌ستیزی، احیای کتاب و سنت (رشاد، ۱۳۸۰: ج ۳، ۳۱۵-۳۲۴).

یکی از کارکردهای مهم دینی مصلح در آخرالزمان وحدت در دین است زیرا حکومت واحد و مقتدر همراه با صلح تنها با وحدت در دین قابل تحقق است. در سایه این وحدت، تمام اختلاف‌های ملیتی، زبانی، مکانی و غیره از بین می‌رود. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

به خدا سوگند، ای مفضل اختلاف از میان ادیان برداشته می‌شود و همه به صورت يك آیین در می‌آید، همان‌گونه که خدا عزوجل می‌گوید: دین در نزد خدا، تنها اسلام است (مجلسی، ۱۴۱۲: ج ۵۲، ۳۵۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۵۶: ۳۲۱).

در اسلام نیز مانند یهود و مسیح روزهای مهم و سرنوشت وجود دارد که اصطلاحاً نقطه عطف در جامعه محسوب و به عنوان روز خداوند یا ایام الله نامیده می‌شود و به پیامبر خود امر نموده که روزهای خداوند را به یاد مردم آور تا تذکری برای آنان باشد و موجب پند شود و به قدرت الهی، بیشتر معرفت حاصل نمایند (ابراهیم: ۵). در آیات متعددی آمده که دین آینده جهان، اسلام خواهد بود و ادیان دیگر نیز به دین اسلام می‌گروند و این روز یوم الله است:

خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردید و عمل صالح انجام دادید، وعده داده است که خلافت روی زمین را به آنها خواهد بخشید، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت را بخشید، و دینی را که برای آنها پسندیده، پا برجا می‌گرداند (نور: ۵۵).

در روایات نیز از پیامبر نقل شده است:

در آن زمان، دین اسلام زمین را فرا می‌گیرد و حکومت از کفار گرفته می‌شود و حکومتی جز، اسلام نخواهد بود و سراسر زمین از تیرگی رهایی می‌یابد (سیدبن طاووس، ۱۴۰۳: ب ۱۷۱، ۱۸۶).

یکی از مباحث مهم کلامی در اسلام «رجعت» است که در آخرالزمان رخ می‌دهد. گروهی از پژوهشگران معتقدند که مرکزی‌ترین موضوع در آخرالزمان شناسی اسلامی، مسئله رجعت است (Hermansen, ۲۰۰۸; Chittick, ۱۹۸۷; Chittick, ۲۰۰۸). تأمل در آیات و احادیث اهمیت این موضوع را روشن می‌سازد:

به یاد آورید آن زمانی را که گفتید: ای موسی ما به تو ایمان نخواهیم آورد تا آن که خداوند یکتا را آشکارا ببینیم، پس صاعقه شما را در برگرفت در حالی که می‌نگریستید. سپس شما را بعد از مرگ‌تان برانگیختیم، شاید سپاسگزاری کنید (بقره: ۵۵-۵۶).

آیا از حال کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ سپس خداوند به آنان گفت: تن به مرگ بسپارید، آنگاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم صاحب بخشش است، اما بیشتر مردم شکرگزار نیستند (بقره: ۲۴۳).

راجع به رجعت، روایاتی از بزرگان دین به ما رسیده که تواتر معنوی دارند. به عنوان مثال از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده‌اند:

به خداوند سوگند که روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسند مگر آن‌که خداوند مردگان را زنده کند و زندگان را بمیراند و حق را به اهل خود باز گردانده و دینی را که پسندیده بر پا نماید (کلینی، ۱۳۷۵ ش: ج ۲، ۳۵۳).

شاید از این عبارت حداقل دو مطلب استفاده شود، یکی برگرداندن حق به صاحبان خود و دیگری برپایی و تحقق حکومت الهی است که در همه ادیان وعده آن داده شده و به تعبیری هر دو مطلب به يك چیز برگشت می‌کند؛ زیرا مراد از برگرداندن حق به صاحبان آن و اهلش معصومین و اولیا هستند.

با مطالعه تاریخ اسلام، جنبش‌های سیاسی یا اجتماعی فراوانی را می‌توان بازشناسی کرد که مبتنی بر آموزه‌های آخرالزمان‌گرایی تشکیل شده و به فعالیت‌های گروهی و جمعی دست زده‌اند. از جمله این جنبش‌ها می‌توان به جنبش داعش یا خلافت اسلامی اشاره کرد.

علاوه بر این، جنبش سیاسی طالبان نیز از جمله جنبش‌هایی است که طبق رأی بعضی از

محققان نام آن باید در ردیف همین جنبش‌های آخرالزمان گرا ثبت شود (Filiu, 2011). وی معتقد است نشانه‌هایی که در کتب روایی اهل سنت در مورد ظهور طرفداران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الکریم بیان شده است را می‌توان بر این گروه تطبیق داد. او از جمله این نشانه‌ها، خروج از خراسان قدیم، حمل کردن بیرق‌های سیاه و داشتن ریش و موی بلند اشاره کرده است.

یکی از ویژگی جنبش‌های آخرالزمان گرا آن است که در تلاش‌اند تا حرکت خود را به حرکتی جهانی و عالمگیر تبدیل کنند. به همین دلیل است که سعی می‌کنند از تمام اقصی نقاط دنیا یارگیری کنند و با انتشار عقاید و ایده‌های خود به ترویج ایده‌های آخرالزمان گرا می‌پردازند. یکی از اهدافی که گروه‌های آخرالزمانی مسلمان در فعالیت‌های خود دنبال می‌کنند، ایجاد اتحاد بین مسلمین و نیز ضربه و لطمه زدن به کفار است.

نتیجه‌گیری (بررسی تطبیقی بُعد سیاسی - اجتماعی آخرالزمان در ادیان ابراهیمی)

در ابتدای سخن به این نکته اشاره شد که جهان کنونی جهانی مملو از تضاد، خشونت، بی‌اعتمادی و عدم آرامش است. طبیعی است که مومنان با تأمل در بشارت‌دین خود، در مورد فرارسیدن صلح و ثبات و آرامش در آخرالزمان، مشتاقانه منتظر رسیدن چنین روزی باشند و حتی برای تسریع در این فرایند، به کنش‌های سیاسی و اجتماعی نیز دست بزنند. این آموزه دینی که در هر سه دین ابراهیمی مورد تأکید فراوان قرار گرفته است، دارای این ظرفیت بوده است که گروه‌های متعددی از معتقدان را به کنش سیاسی و اجتماعی سوق دهد. بنابراین در یک نگاه تطبیقی می‌توان گفت که اولین وجه اشتراک ادیان ابراهیمی در مورد بعد سیاسی و اجتماعی آخرالزمان، ظرفیت‌سازی برای جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است. علاوه بر این اشتراکات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که آنها را می‌توان به این شرح برشمرد:

- تجلی روز خدا با ظهور منجی موعود ادیان ابراهیمی؛

- تحقق وحدت الهی مؤمنان؛

- برهم زدن نظم سیاسی و اجتماعی موجود در جهان؛

- جایگزین ساختن نظم نوین بر دنیا مبتنی بر نظامی الهی و غیر سکولار؛

- رجعت صالحان و نیکوکاران؛

- ترفیع معتقدان و دینداران به بالاترین سطح از سعادت در این نظم نوین سیاسی و

اجتماعی.

ظرفیت‌سازی برای ایجاد جنبش‌های سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ایده آخرالزمان‌گرایی که خود موجب فعالیت گروه‌های سیاسی و اجتماعی متعددی در طول تاریخ در بستر سه دین یهودیت، مسیحیت و اسلام شده است.

در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی، افتراقاتی نیز میان وعده‌های ادیان ابراهیمی به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آنها تاکید اسلام، و نه سایر ادیان، بر ایجاد اصلاح دینی و پاکسازی دین از خرافات و جعلیات است.

منابع

- قرآن کریم
کتاب مقدس
نهج البلاغه
۱. ا. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۵۰.
۲. جوینی خراسانی، ابراهیم بن محمد، فرائد السمطين، مؤسسة المحمودی للطباعة و النشر، بیروت، ۱۳۹۸ ق.
۳. حائری یزدی، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۲.
۴. الحر العاملی، محمد بن الحسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، المطبعة العلمية، قم، ۱۴۰۹ ق.
۵. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، بی نا، تهران، ۱۳۷۹.
۶. رشاد، علی اکبر و همکاران، دانش نامه امام علی علیه السلام، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.
۷. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، بیروت، ۱۴۲۰.
۸. سید بن طاووس، علی بن موسی بن جعفر بن محمد، الملاحم والفتن، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳.
۹. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، سلمان فارسی، قم، ۱۴۲۲.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین قمی، کمال الدین و تمام النعمه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۶.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۷.
۱۲. ظاظا، حسین، الفكر الديني اليهودي، دارالقلم، بیروت، ۱۹۹۵.
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، بی نا، تهران، ۱۳۷۹.
۱۴. کلینی، جعفر بن محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول و فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۵.
۱۵. کورانی، علی، عصر ظهور، چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات، ۱۳۸۷.
۱۶. متقی هندی، علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، دارالغد الجدید، مصر، ۲۰۰۳ م.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲.

- مکارم شیرازی، ناصر، *مهدی انقلابی بزرگ*، مطبوعاتی هدف، قم، ۱۳۵۶.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبه*، انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۶۳.
- Almond, GA, Appleby RS, Sivan E. (2003) *Strong Religion: The Rise of Fundamentalisms around the World*. Chicago: University of Chicago Press.
- "Eschatology of the New Testament". (1915). the International Standard Bible Encyclopedia, Vol. II: 979-993.
- Barth, Karl. 1933. *The Resurrection of the Dead*. Trans. H. J. Stenning. New York: Revell.
- Borg, Marcus J. 1994. *Jesus in Contemporary Scholarship*. Valley Forge, PA: Trinity. Press International.
- Campos, Alvaro Vallejo. 2005. "Escatología y Retórica en los Diálogos Platónicos. *Revista de Filosofía* 30 (1): 117-34.
- Chittick, William C. 1987. "Eschatology" In *Islamic Spirituality: Foundations*, ed. S. H. Nasr. New York: Crossroads, 378-409.
- Chittick, William C. 2008. "Muslim Eschatology" In the *Oxford Handbook of Eschatology*, ed. J. L. Walls. New York: Oxford University Press, 132-50.
- Clouse, Robert G. 2008. "Fundamentalist Theology" In the *Oxford Handbook of Eschatology*, ed. J. L. Walls. New York: Oxford University Press, 263-79.
- Cook, David (2005) *Contemporary Muslim apocalyptic Literature*, Syracuse: Syracuse University Press.
- Cromer, Gerald (1986), "Secularization is the root of all evil: the response of Ultra- Orthodox Judaism to Social deviance", *Proceedings of ninth world congress of Jewish Studies*, vol 397-404.
- David E. Aune, 2005, *understanding Jewish and Christian Apocalyptic*, *Word and World*, Vol. 25, Number 3.
- Eric W. Baker. (2014). *The Eschatological Role of the Jerusalem Temple: An Examination of Jewish Writings Dating from 586 BCE to 70 CE*, *Dissertations*. Paper 13.
- Filiu, Jean-Pierre (2011) *Apocalypse in Islam*, Berkeley and Los Angeles, California University Press.
- George W. E. Nickelsburg. "Eschatology (Early Jewish)" *Anchor Bible Dictionary*. Edited by David N. Freedman. New York: Doubleday, 1992. 2: 579-2: 594.
- Haines, B. L (1979) "Islamic fundamentalism and Christian Responsibility", *Christian Century*, vol. 96. 3.
- Hermansen, Marcia. 2008. "Eschatology. " In *The Cambridge Companion to Classical Islamic Theology*, ed. T. Winter. New York: Cambridge University Press.
- Horbury, William (1998), *Jewish Messianism and the Cult of Christ*, London, SCM Press Ltd.
- John Polkinghorne. *The God of Hope and the End of the World*, New Haven: Yale University Press, 2002. p. 139-40.
- Liebman, Charles (1993), "Jewish Fundamentalism and the Israeli Polity", in Martin Marty and R. Scott Appleby (ed), *Fundamentalisms and the state: remaking politics, militance and economics*. London: University Chicago

Press. 342-367.

- Neil Gillman, (2007). How Will it All End? Eschatology in Science and Religion, crosscurrents, Spring 2007.
- Petersen, David L. "Eschatology (OT)." Anchor Bible Dictionary. Edited by David N. Freedman. New York: Doubleday, 1992. 2: 575-579.
- R. A. Peterson, 'Apostasy', Presbyterian, 19 (1993) 24-28.
- Randall C. Gleason, (2002). Eschatology of Warning in Hebrews, Tyndale Bulletin 53. 1, 97-120.
- Randall C. Gleason, (2003). Angels and the Eschatology of Heb 1-2. New Testament Studies, No. 49. PP. 90 - 107. Printed in the United Kingdom, Cambridge University Press.
- Richard Harvey. (n. d.), Evaluating Messianic Jewish theology today: have we gone too far or not far enough? All Nations Christian College, UK.
- Rippin, Andrew. 1996. "The Commerce of Eschatology. " In The Qur'an as Text, ed. S. Wild. Leiden: E. J. Brill, 125-35.
- Robert, Leonhard, (2010), Visions of Apocalypse, Strategic Assessments, National Security Analysis Department, The Johns Hopkins University, Maryland.
- Robertson, Pat (1991). The New World Order, Dallas, London, Vancouver, Melbourne: Word Publishing.
- Rowland, Christopher. 2008. "The Eschatology of the New Testament Church. " In The Oxford Handbook of Eschatology, ed. J. L. Walls. New York: Oxford University Press, 56-72.
- Sauter, Gerhard. 2008. "Protestant Theology. " In The Oxford Handbook of Eschatology, ed. J. L. Walls. New York: Oxford University Press, 248-62.
- Snowball, David (1991). Continuity and Change in the Rhetoric of the Moral Majority, New York, Greenwood publishing group.
- W. G. Kümmel, Promise and Fulfilment: The Eschatological Message of Jesus (London: SCM, 1957)
- Ward, S. P. 2002. Penology and Eschatology in Plato's Myths. Lewiston, N Y: Edwin Mellen Press.

